

معنی لغات جدید درس پنجم

ارمغان : هدیه ، سوغات	کارمت : که برایت بیاورم	غلام : خدمتکار ، نوکر
قضا : سرنوشت، تقدیر	خواجه : بزرگ ، سرور، تاجر	گریستن : گریه کردن
خطه: سرزمین	شگرسخن : شیرین سخن ، شیرین گفتار	حبس : زندان ، بازداشت
مشتاق: دارای شوق ، آرزومند	کان: که آن	بازرگان: تاجر
خام : بیهوده، ناپخته، نسنجیده	زین: از این	صحنه: منظره ای واقعی یا خیالی که رویدادی را نشان می دهد.
راس : واحد شمارش چهارپایان	تپید : جنیید، حرکت کرد ، بی قرار شد	تجارت : بازرگانی، داد و ستد، معامله
بازگو: بیان کردن، دوباره گفتن	کنیزک: خدمتکار، زنی که برده باشد	شادکام: خوشحال
دلداری دهد: همدردی کند، غم خواری کند	زهره اش بدرید : ترسید	همتا : مانند، مثل
مرغان : پرندگان	قافله : کاروان ، گروه همسفر	بند : طناب ، ریسمان
	کول : شانه و دوش	

واژگان هم خانواده

(پیام - پیام رسان - پیامبر)	(مشتاق - اشتیاق - شوق)	(شگفت زده - شگفت انگیز)
(شکایت - شاکی)	(شرمنده - شرمسار - شرمگین)	(موضوع - وضع - اوضاع)
	(تجارت - تاجر - تجار)	(سکوت - ساکت)